

فصلنامه ادبیات شیعه
سال اول، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۲

رثای امام حسین (ع) در اشعار عربی اندلس*

دکتر عباس عرب**
حسن علی شربتدار***

چکیده

هدف این مقاله، پژوهش درباره شعر رثای امام حسین (ع) و ویژگی‌های آن در دوره اندلس می‌باشد. در این پژوهش با روش ارائه شواهد شعری مختلف از شاعران رثای عاشورا در اندلس، به بررسی و تحلیل این اشعار می‌پردازیم. شعر رثای امام در اندلس، نمایانگر عشق و دوستی مردم آن دیار مخصوصاً شاعران و ادبیان آن به خاندان اهل بیت است. ساختارها و مضامین این اشعار جنبه تقليد و اقتباس از شاعران مشرق زمین را دارد؛ ولی شاعران آن دیار با تصویرگری و نوآوری خود و متأثر از اوضاع ادی، اجتماعی و سیاسی توансهاند قالب‌ها و ساختارهایی را ایجاد کنند که در مخاطب تأثیر گذارند. گاهی رثای امام در قالب موشحات، تخمیس و تسدیس از قصاید شعرای دیگر پدیدار می‌شود و این نشانه توجه شاعران شیعی آن دیار به رثای امام در قالب‌های جدید می‌باشد که در آن روزگار ابداع شده است.

کلمات کلیدی: رثاء، امام حسین (ع)، شعر شیعی، اندلس.

* - تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۰۳

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Shrabatdar141@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

۱- مقدمه

بررسی ادبیات مذهبی و پاسداری از نظام و باورهای اسلامی، از جمله وظایف مهم‌اندیشمندان و صاحب نظران عرصه ادبیات در زبان‌های مختلف کشورهای اسلامی می‌باشد. این موضوع باعث زنده شدن دوباره میراث بزرگ اسلامی و به روز نمودن ادبیات شعری خفته در گنجینه‌های فرهنگ گذشته ملل اسلامی می‌شود؛ در بین این ادبیات شعری ارزشمند، موضوع مراثی امام حسین (ع) و عاشورا به علت وسعت، تنوع، غنای ادبی و تصویرسازی خاص خود یکی از شاخه‌های گران‌بهای ادبیات ملل اسلامی می‌باشد که شاعران و ادبیان از هر مذهب و دینی خود را در این عرصه آزموده‌اند.



فصلنامه ادبیات شعر

۲

رثای امام حسین^(ع)
در اشعار عربی اندلس

هرچه زمان بر قیام عاشورا - که از افتخارات بزرگ جامعه اسلامی و سند روشن حقانیت دین الهی اسلام است - می‌گذرد، بر قداست و عظمت آن افزوده می‌گردد. این قیام مظہر کرامت، شرافت انسانی، خلوص و دارای اهداف پاکی است که در سینه تاریخ نقش جاودانه‌ای گرفته است و نام کربلا و عاشورا تصاویر مظلومیت، حقانیت، ستم ستیزی، شهادت را در ذهن مجسم می‌سازد.

این تصاویر واقعی، قهرمانانه و مظلومانه، سرایندگان بزرگ را در طول تاریخ بر آن داشته است تا در سرودهای خود مرثیه شهیدان کربلا و امام حسین (ع) را به عنوان یک هدف مقدس در مبارزه علیه ستمگران قرار دهند؛ لذا حاکمان ستم همیشه از این شاعران در بیم و هراس بودند و به چشم خطرناک‌ترین دشمن خود به آنها می‌نگریستند و بسیاری از آنها جان خود را در این راه تقدیم خط شهادت کرده‌اند. هرگاه مرثیه، هدفدار و گویای واقعیت‌ها باشد، اثر آن در فرد و اجتماع قابل انکار نخواهد بود؛ شعر مرثیه علاوه بر نفوذ در روح و تحریک احساسات مخاطب،

در جامعه نیز تأثیر می‌گذارد و آن را به سوی عدالت طلبی، یاری حق، مبارزه با فساد و کسب مجد و عظمت فرا می‌خواند.

جبران خلیل جبران گفته است: «لم أجد إنساناً كالحسينِ سَجَّلَ مجدَ البشرية بدمائه» (شُبَّر، ۱۳۸۸: ۱۹/۱).

شعر شیعه در اندلس، نشانگر اوضاع دینی، ادبی، اجتماعی و سیاسی آن زمان و عشق ادبی آن سرزمین و مردمش به اهل بیت پیامبر اسلام^(ص) می‌باشد. شعرای شیعه اندلس، در اشعارشان با تقلید از سبک شاعران شیعی در مشرق زمین به همراه نوآوری بر اساس اوضاع ادبی و اجتماعی سرزمین خود، ساختارها و مضامین شعری خاص را بنیان نهادند. شعر شیعی اندلسی اگرچه به توانایی شعر شاعران مشرق زمین نمی‌رسد، اما از نظر ساختار و تصویر از تشیع سطحی اندلس و



فصلنامه ادبیات شیعه

۳

رثای امام حسین^(ع)
در اشعار عربی اندلس

شخصیت شاعر اندلسی حکایت می‌کند (مکی، ۱۳۷۶: ۷۷). با وجود این، در اشعار رثای اهل بیت اندلس، حرارت و نیروی بیشتری می‌بینیم که بر بقیه سرودهای آنها برتری دارد؛ چنان که در اشعار ابن دراج ریشه این قبیل رثا وجود دارد و نیز ابن ابی الخصال کاتب که دو قصیده در رثای امام حسین^(ع) سروده است، و این موضوع چنان متحول می‌شود که در روزگار موحدین کتاب‌ها و دیوان‌های مستقلی به این موضوع اختصاص می‌یابد. (همان: ۷۸)

در رثای شاعران اندلس فضای عاطفی و احساسی که در اشعارشان پدید آمده است به عنوان عنصر تعیین کننده اشعارشان می‌باشد و به دنبال تسخیر قلب‌ها و انتقال تصویرگری خود از حزن و اندوه درونیشان به شنونده هستند تا شنونده را از مقدار تأثرشان و عمق فاجعه و مصیبتی که در آن است آگاه سازند.

اگر در اشعار رثای امام حسین (ع) و موضوع کربلا دقت شود، رثای شاعران اندلس از اعمق دل‌های سوخته برخاسته و با عواطف و احساسات صادق همراه است و هدف شاعران از این اشعار، نشان دادن و فاداری خود به امامشان و تثبیت و ترویج دین و رسالت بزرگ عاشورا می‌باشد، و در این اشعار هیچ طمعی بر مال دنیا نیست بلکه هدف آن رسیدن به پاداش اخروی است.

۱- پیشینه پژوهش

تاکنون استادان و پژوهشگران بسیاری به موضوع شعر عاشورا در زبان عربی و فارسی و بررسی موازنی‌ای بین آنها در دوره‌های مختلف و موضوعات گوناگون پرداخته‌اند؛ و در این میان رثای امام حسین (ع) در اشعار عربی نیاز به بررسی موضوعی و جزئی دارد. در بعضی از کتب مانند: «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی» اثر دکتر انسیه خزعلی، «عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه» اثر دکتر مرضیه محمد زاده، «ادب الطف» از جوادشیر، و ...، جنبه‌هایی از این موضوع بررسی شده است. اما در این حوزه به ویژه در اشعار عاشورایی اندلس، نیاز به پژوهش بیشتری احساس می‌شود.

۲- شعر رثا

در اصطلاح ادب «رثاء» یا «مرثیه» بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان و ذکر مصائب امامان معصوم مخصوصاً حضرت سید الشهداء و دیگر شهدای کربلا و ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و



فصلنامه ادبیات شعر

تعظیم مصیبت و دعوت ماتم زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری سروده شده است. (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶)

رثا، مخصوصاً رثای امامان معصوم از صادق‌ترین فنون شعری است که بدون گرفتن صله و پاداش دنیوی ابراز می‌شود. شعر رثا از نظر ماهیت در قالب «ادبیات غنایی» بررسی می‌شود. این نوع ادبی سابقه کهنه در ادبیات عرب دارد، و اهمیت و جایگاه آن از دیرباز مورد توجه ناقدان شعر و ادب بوده است. شعر رثا نسبت به دیگر فنون ادبی، به خاطر داشتن آهنگ و معانی خاص خود در حافظه و دلها ماندگارتر و مؤثرتر می‌باشد، به طوریکه از دیرباز یکی از مؤثرترین گونه‌های شعری برای جلب عواطف شنوندگان و یا تحریک دشمنی و انتقام جویی بوده است.

اشعار مرثیه به علت خصوصیات ویژه‌اش، از بدیهی‌ترین و در عین حال زیباترین

ادبیات شعر

فصلنامه ادبیات شعر

۵

رثای امام حسین^(۴)
در اشعار عربی‌اندلس

پدیده‌های هنری است که عواطف درونی شخص را نسبت به فقید منعکس می‌سازد و در مخاطب و شنونده تأثیر نیکو و محرك بر جای می‌گذارد؛ زیرا شاعر با عاطفه‌ای صادق و سوزناک در حالی که اندوه تمام وجودش را فراگرفته است، آن را می‌سرايد. مراثی معمولاً اشعاری یکدست هستند که همه آنها مربوط به فقدان یک شخص است، اما گاهی ممکن است شاعر در قصیده‌اش، موضوعاتی چون نسیب یا مذمت دشمنان و نکوهش عامل قتل م Murdoch را نیز بیاورد. (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۱)

ناقدان قدیم رثا را به عنوان فنی مستقل به حساب نمی‌آوردهند، ولی بعضی از ناقدان می‌گویند: «شعر بر چهار رکن بنا شده: مدح، هجا، نسیب، رثا» (ابن رشيق، ۱۹۸۸: ۷۷/۱) و بعضی ناقدان آن را تابع مدح می‌دانند و می‌گویند: «شعریه دو نوع تقسیم می‌شود: مدح و هجا، و در مدح رثا و افتخار و تشیب می‌باشد.» (همان: ۲۴۸/۱) و یا می‌گویند: «لیس بین الرثاء و المدح فرق إِلَّا أن يخلط بالرثاء شَيْءٌ يدلّ

آن‌الملحق به میت مثل کان او عدمنا او ما یشاکل هذا لیعلم آنه میت» (همان: ۷۹/۱).
به طور کلی بعضی از ناقدان رثا را فنی محسوب نمی‌کردند و حتی آن را فرع بر
مدح هم نمی‌دانسته‌اند. (طالب زاده، ۱۳۷۰: ۶۱۲)

قدما خود به این -حقیقت که رثا مبتنی بر «شدة الجزع» است - اعتراف دارند؛
ولی اسباب و علل آن را بررسی ننموده‌اند و از اسرار تأثیر حزن و اندوه برخود
سراینده رثا و سپس بر شنوندگان او سخنی نگفته‌اند (همان: ۶۱۲). ابن رشيق، عنصر
تحسّر و تفجّع را در رثا می‌پذيرد، ولی آن را مخصوص پادشاهان یا بزرگانی می‌داند
که از دنيا رفته‌اند و می‌گويد: «و سبيل الرثاء أن يكون ظاهر التفجّع، بَيْنَ الحسْرَةِ،
مخلوطاً بالتلهّفِ والاسفِ والاستعظامِ، إن كان الميت ملكاً أو رئيساً كبيراً» (ابن رشيق،
۱۹۸۸: ۱۱۷/۲)؛ ايراد که بر اين سخن ابن رشيق وارد می‌شود اين است که چگونه
اظهار حزن و اندوه و حسرت و تأسف به ملوک و رؤسا منحصر و محدود می‌شود.

در صورتی که خود او در باب رثا، نمونه‌هایی بسیار حزن‌انگیز نقل می‌کند که درباره
همسر، طفلی، برادری و یا پدری سروده شده است در حالی که هیچ یک از طبقه
ملوک و رؤسا نبوده‌اند. (بدوي، ۱۹۹۶: ۲۱۰). آن چه تعیین کننده رثایی برتر است،
مربوط به نوع آن نمی‌باشد بلکه به شدت وحدت مصیبت وارد شده بر مرثیه‌سرا و
تأثیر آن بر احساس و عاطفه اوست که تا چهاندازه بر روی وجودان و عواطف و
احساسات او تأثیر نهاده و سوز و گداز درونی او تا چهاندازه تحريك شده است.
بهترین شاهد این تأثیرگذاري را در رثای امام حسین (ع) و حوادث كربلا می‌توان
مشاهده نمود.

۳- رثای حسینی

شعر رثا در هر عصری متأثر از محیط و حوادث اجتماعی و سیاسی آن و نوع
نگرش انسان‌ها به مسائل و زندگی و مرگ بوده است. هر اندازه نزدیکی و



فصلنامه ادبیات شیعه

۶

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

خویشاوندی بین شاعر و شخص مرده بیشتر باشد سوزش و حسرت درونی شاعر در تصویرگری شعرش بیشتر و عمیق‌تر است و گاهی در رثای جاھلی خونخواهی و تشویق قبیله بر انتقام‌جویی نیز وجود دارد؛ مثل: رثای مهلل برای برادرش کلیب و یا رثای خنساء برای دو برادرش صخر و معاویه.

در دوره اسلامی شعر رثا بر اساس تعالیم قرآن کریم و پیامبر اسلام، از نظر لفظ و مفاهیم آن و نوع نگرش به مرگ و نابودی در این دنیا و موضوع قضا و قدر و ایمان به روز قیامت تغییر یافته است. در دوره‌های بعدی به خاطر ظلم و ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس نسبت به بنی‌هاشم و موضوع شهادت امام حسین (ع) و انقلاب کربلا، شعرای شیعه مفاهیم و مضامین جدیدی را در رثا وارد نمودند و بدین ترتیب نوعی جدید از رثای سیاسی به ظهور رسیده و شعر رثا وسیله اعتراض و مخالفت در مقابل دشمنان گردید.

از خصوصیت رثای امام و عاشورا، تصویر دقیق و تعبیر عاطفی درست از

ماجرای کربلاست که به صورت یک اسلوب تبلیغی از آن نهضت بزرگ بروز کرده و شکوفایی ادبیات را در این نوع موجب شده است.

و أَيُّ رِزْقٍ عَدَلَتْ حُسَيْنَ بْنَ عَدَدَةَ تَبَيَّنَ كَفَاسَنَانَ

(طه حمیده، ۱۹۶۸: ۱۵۹)

ادبیات شیعه در رثای امامش، ادبیاتی با عاطفه صادق و تخیلی راستین و واقعی بوده است. شاعر شیعی در این مرثیه‌ها، نهایت وفاداریش را به امام خود ثابت نموده و صبر بر این مصیبت بزرگ را نشان داده و در تصویرگری از این حادثه دردنگ دقیق و وفادار بوده است.

مرثیه چنان تأثیری بر ادبیات مسلمانان سرتاسر جهان نهاده است که شاعران و ادبیانی غیر از ادبی شیعه و حتی از ادیان دیگر مثل شعرای مسیحی نیز پا در این

عرصه نهاده‌اند؛ آن‌ها با زبان مرثیه‌سرایی، بین حوادث عاشورا و عواطف و احساسات پاک درونی خود پل ارتباطی زده و به جریان عاشورا متصل می‌شوند.

مرثیه‌سرایی شاعران بازتابی از این واقعه بزرگ در جامعه اسلامی و دلهای سوخته انسان‌های آزاده از طبقات و گرایشات فکری مختلف است که خود در آن صحنه‌ها حضوری نداشتند ولی هر لحظه آرزوی پیکار در رکاب امام را برای خود بازپروری کرده‌اند و از عدم حضور خود اظهار حسرت و تأسف نموده‌اند. ابن

ابیالحید می‌گوید:

فِي الْكِ مَقْتُولًا لَّهَدِّمَتِ الْعَلَى
لَدِي الْرُّوْعَ خَطَّارِي فِي مَافَاتِ خَاطِرِي
وَيَا حَسْرَتَا إِذْ لَمْ أَكُنْ فِي أَوَّلِ
مِنَ النَّاسِ يُتَلَى فَضْلَهِمْ فِي الْأَوَّلِ
فَأَنْصُرْ قَوْمًا إِنْ يَكُنْ فَاتَّ نَصْرَهُمْ
وَثَلَّتْ بِهِ ارْكَانُ عَرْشِ الْفَاخِرِ
(علی الصالح، ۱۴۰۸: ۱۳۰)



فصلنامه ادبیات شیعه

۸

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

رشد و شکوفایی مرثیه‌سرایی در زبان عربی، مدیون تأثیر فرهنگ عاشورا است؛ یکی از عوامل مهم رشد مرثیه‌سرایی برای امام و حوادث کربلا، امامان معصوم شیعه می‌باشد. چرا که این موضوع دائمًا از طرف امامان توصیه شده و مورد ستایش، تقدیر و تشویق آنان بوده است. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

«مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحَسَنِ يَبْتَأِ مِنَ الشِّعْرِ فَبَكَى وَ أَبْكَى عَشَرَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ»

(محمدی ری شهری، ۱۳۷۰: ۳۲۷).

و نیز می‌فرماید: «در شان و فضليت ما بيت شعری گفته نمی‌شود مگر آنکه مورد تأیید الهی و روح القدس می‌باشد.» (همان: ۵/۱۰۰).

این تشویق امامان، باعث صبغه دینی و اخلاق شاعران در اشعار خود شده است، به همین دلیل آن‌ها علی رغم اینکه می‌دانستند جو خفقان بنی‌امیه و بنی عباس

مرثیه‌سرایان اهل بیت را راحت نمی‌گذارد و این کار باعث از دست دادن جانشان می‌شود، بدون این که به مال دنیا طمعی داشته باشد و بدون چشم داشتن به صله، به مرثیه‌سرایی پرداختند. شعر رثای امام حسین (ع) از نظر سبکی به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱- این جنبه‌ها و سبک‌ها گاهی سوگوارانه است که با سروden سوزناکترین مرثیه‌ها، عواطف را برانگیخته و بیشتر به جنبه عاطفی و روحی آن می‌پردازد.

۲- گاهی نگاهی به جنبه عارفانه و عاشقانه آن شده است و صحنه کربلا و حوادث آن را رویدادهای عاشقانه بین عاشق و معشوق بیان می‌کند.

۳- گاهی نیز به جنبه‌های حماسی و ظلم ستیزانه عاشورا توجه می‌شود که نقد حکام غاصب و احیای مفاهیم زنده و زندگی ساز دین و نشر ارزش‌های ماندگار اسلام در آن پدیدار است (محمدزاده، ۱۳۸۹: ۲۱).

ادبیات شعر

فصلنامه ادبیات شعر

۹

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

بیان مصائب و حوادث امام و اهل بیت او در روز عاشورا از جمله حرکت‌های هدفمند و شجاعانه‌ای بوده است که شعر آن را در مرثیه‌سرایی خود دنبال می‌کردند، و این در حالی است که خود و خانواده‌هایشان مورد تهدید، آزار و اذیت واقع می‌شدند. حاکمان مخالف جبهه حق، به خوبی خطر این نوع اشعار و تأثیرش در جان‌های مردم را فهمیده بودند؛ چرا که سروden این اشعار قیام عاشورا را گسترشده و بینش مردم را روشن‌تر می‌ساخت و در نتیجه مشروعیت حاکمان سلطه‌طلب و ستمگر را زیر سوال می‌برد.

مراشی حادثه عاشورا در طول تاریخ، زیاد است تا جائی که بعضی از شاعران عرب چندین دیوان در مرثیه عاشورا سروده‌اند^(۱) و این تأثیر عجیبی است که فقط امام حسین (ع) توانست بر انسان‌های بالاندیشه والا و دل‌های پاک بگذارد و قلب‌های همه را در طول تاریخ به خود جلب نماید.

در زبان عربی دقیقاً از عصر عاشورا این واقعه عظیم به شعر راه یافت و ابتدا کسانی که در صحنه حاضر بودند در قالب شعر رثا، تالمات درونی خویش را بیان نمودند؛ بنابراین، نخستین شاعرانی که در زبان عربی به ساختن مرثیه پرداختند، بازماندگان این واقعه هولناک بوده‌اند (همان: ۶۱۴).

از حضرت زینب (س) بعضی اشعار مرثیه روایت شده است که بر شهدای خفته در کربلا درود و سلام می‌فرستد:

عَلَى الطَّفِ السَّلَامُ وَسَاكِنِي
مَفَاجِعُ فِيَةَ عَبْدِ دُوَافِنَامَوَا^{هَجَوْدًا فِي الْفَدَافِدِ وَالرَّوَابِي}
(صاحبکاری، ۱۳۷۹: ۱۷)

از اُمّکلثوم، دختر امام علی (ع)، نیز اشعاری روایت شده است که به عنوان اعتراض به کشتن برادرش، وعده آتش جهنم را به قاتلان آن حضرت می‌دهد و

ریختن خون امام را از طرف خداوند و پیامبرش حرام دانسته است:

قَتَلْتُمْ أَخِي ظَلَمًا فَوَيْلٌ لِّأَمْكَمْ
سَتَجِزُونَ نَارًا حَرُّهَا بَتَوْقَدْ
سَفَكْتُمْ دَمَاءَ حَرَمَ اللَّهُ سَفَكُهَا^{وَحَرَمَهُ الْقُرْآنُ ثُمَّ مُحَمَّدٌ}

عبيد الله بن حُرّ جعفی - که امام در راه عراق در منزل قصر بنی مقاتل با او برخوردی دارد و از او یاری می‌طلبد، ولی او رد می‌کند و به راه خود می‌رود - بعد از شهادت امام اشعاری در رثای ایشان سرود و در یکی از اشعار خود این موضوع و پیشمانی خود را اظهار داشت:

فِيَالَّكَ حَسَرَةً مَا دَمَتَ حَيَاً
حَسَيْنُ حَيْنَ يَطْلَبُ بِذَلِّ نَصْرِي
عَلَى اهْلِ الضَّلَالِ وَالْفَرَاقِ
غَدَاء يَقُولُ يِ بالْقَصْرِ قَوْلًا^{أَتَرَكَنَا وَتَزَمَّنَعْ بِالْفَرَاقِ}
(شُبَّر، ۱۳۸۸: ۹۶/۱)



فصلنامه ادبیات شععه

عقبه بن عمر و از شعرای قرن اول هجری است که از کربلا دیدار می‌کند و در رثای امام اشعاری می‌سراید و ریختن اشک و اظهار اندوه و رثای خود نسبت به امام و قبور پاک اطرافش را بازگو می‌کند:

مَرَرْتُ عَلَى قَبْرِ الْحَسَنِ بَكْرَبْلَاءِ
وَمَا زَلْتُ أَبْكِيَهُ وَأَرْثَى لِشَجَوَهُ
وَبَكَيْتُ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ عَصَائِبًا
فَفَاضَ عَلَيْهِ مِنْ دُمُوعِي غَزِيرُهَا

(همان: ۵۲/۱)

کمیت بن زید اسدی، در هاشمیات از حادثه کربلا به عنوان بزرگترین مصیبت یاد می‌کند که امام را بدون داشتن مدافعی به خاک و خون کشیدند:

وَمِنْ أَكْبَرِ الْاحْدَاثِ كَانَتْ مَصِيَّةُ
قَيْلُ بَنْجَبِ الطَّفِ مِنْ آلِ هَشَمٍ
وَمُنْعَفِرُ الْخَدَدِينِ مِنْ آلِ هَشَمٍ
عَلَيْنَا قَيْلُ الْاعِيَاءِ الْمُلْحَبُ

(علی الصالح، ۴۰۸: ۴۲)

ادبیات شعری

فصلنامه ادبیات شعری

۱۱

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

در بعضی از اشعار تصویری از تأسیف پیامبر اسلام (ص)، حزن و اندوه آن حضرت، احتجاج بر امتشش به خاطر بدرفتاری نسبت به اهل بیت و گمراهی و انحرافی که در دین ایجاد کرده‌اند ارائه شده است. دختر عقیل بن ابی طالب می‌گوید:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ
بَعْتَرِيٍ وَبَأَهْلِيٍ بَعْدَ مُفْقَدِيٍ
مَا كَانَ هَذَا جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ
مَاذَا فَعَلْتُمْ وَإِنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ
نَصْفُ أُسَارِي وَنَصْفُ صُرْجَوْا بِدِمِ

(طه حمیده، ۱۹۶۸: ۱۵۹)

گاهی مرثیه‌سرایان عاشورا، با اشعار خود عواطف و قلب‌های اندوهگین از این حادثه را به شورش و انقلاب واداشته و آن‌ها را به انقلاب و خونخواهی دعوت می‌کردند؛ سلیمان بن قتة عدوی در اشعار خود، کشتن امام را باعث ذلت و خواری

مسلمانان و مصیبت و فاجعه بزرگی دانسته و قبایل غنی و قیس^(۲) را -که در کشتار کربلا شرکت کرده‌اند- به خونخواهی و جنگ تهدید نموده است:

و إِنْ قَيْلَ الطَّفَ مِنْ آلْ هَاشِمِ
وَ كَانُوا غِيَاثًا ثُمَّ صَارُوا رَزِيْةً
أَلَا عَظَمَتْ تَلْكَ الرِّزَايَا وَ جَلَّتْ
وَ عَنْدَ غَنِيٍّ قَطْرَةٌ مِنْ دَمَائِنَا
سَجَزِيهِمْ يُومًا بَحِيرَتْ حَلَّتْ
إِذَا افْتَقَرْتْ قَيْسٌ جَبَرَنَا فَقِيرَهَا
وَ تَقْتَلَنَا قَيْسٌ إِذَا النَّعْلُ زَلَّتْ

(همان: ۱۶۳)

عبدالله بن احمد قوم خود را به انقلاب و شورش عليه قاتلان امام تشويق می‌کند:

صَحُوتُ وَ قَدْ صَحَ الصَّبَا وَ الْوَادِيَا
وَ قُولُوا لَهُ إِذْ قَامَ يَدْعُوا إِلَى الْهَدِيَا
وَ قَبْلَ الدُّعَاءِ لَيْكَ دَاعِيَا
أَلَا وَانِّيْ خَيْرُ النَّاسِ جَلَّا وَ وَالَّدَا
حَسِينًا لِأَهْلِ الدِّينِ إِنْ كَنْتَ نَاعِيَا ...
فَضَارَبْتُ عَنْهُ الشَّانِيْنَ الْأَعْدِيَا
وَ قَلَّتُ لِأَصْحَاحِيِّ أَجْبِيَا وَ الْمَنَادِيَا

فياليتی إذ ذاک کنـت شـهـدتـه
(همان: ۱۶۳)



فصلنامه ادبیات شیعه

۱۲

رثای امام حسین^(۴)
در اشعار عربی اندلس

۴- رثای حسینی در اشعار اندلس

قدیمی‌ترین نام اندلس «ایبریا» است که منسوب به ایریان، قدیمی‌ترین قبیله ساکن در آن منطقه بوده است. اندلس امروزه از بزرگترین استان‌های اسپانیا به شمار می‌آید که شامل هشت شهرستان است. این سرزمین از قرن‌های نخست اسلامی مورد توجه قرار گرفت و در سال ۹۲ هجری، اسلام وارد اندلس شد. با تشکیل دولت شیعی فاطمی در مصر، شیعیان جهت انتشار مکتب اهل بیت^(ع) بیشتر به سرزمین اندلس رفت و آمد می‌کردند. در اندلس چهار دولت ادريسیان، بنی حمود، فاطمیان و بنی عمار با گرایشات شیعی تشکیل شد.^(۳) (حاتمی، ۱۳۸۸: ۷۶ و ۷۵)

اندلس از همان آغاز فتح به وسیله مسلمانان، گرایشی اموی داشت و به همین دلیل است که در ابتدای حرکت سیاسی - دینی، تشیع در آنجا ضعیف بوده است.

(مکی، ۱۳۷۶: ۱۵)

گویا نخستین کسی که فرهنگ شیعی را به اندلس منتقل کرد، محمد بن عیسی قرطبی معروف به «اعشی» بوده است. (همان: ۲۵) انتشار دعوت فاطمی در اواخر قرن سوم، سبب گرایش برخی از عالمان اندلسی به مذهب شیعه شد؛ به این ترتیب، اندلسی‌ها با بخشی از مبانی و اصول تشیع آشنا شدند و این مذهب رشد و رونق یافت (همان: ۲۷). ولی بعضی بر این اعتقاد هستند که تشیع از همان ابتدای فتح اندلس داخل آنجا شد و به تدریج رشد یافته است تا آن که توانسته دولت‌های مخصوص خود را تشکیل دهد. (آذرش رب ۱۳۸۷: ۲۸) وجود ادبیات شیعه در اندلس، در چارچوب رسالت اسلامی و حمایت از اصول اسلام و اظهار دوستی به اهل بیت -که همان ولایت رسول خدا و اسلام حقیقی می‌باشد- بوده است. این ادبیات شیعی همان وجود روح انقلابی جهت اصلاح جامعه فاسد و برگرداندن روح عزت و سربلندی و ادامه تمدن اسلامی به جامعه اسلامی می‌باشد که در ضمن روحیه تسامحی که بین شعرای اندلس بوده است شعرای شیعه و دیگر مذاهب و ادیان در کنار هم جمع شده بودند. (همان: ۶۰)

امویان اندلس، تحت تأثیر بنی امية بعد از قتل امام حسین (ع) جهت شماتت شیعه به دنبال عقاید افراطی بعضی از فقهاء سنی، روز عاشورا را روز عید دانسته و در آن اظهار شادی و طلب وسعت خوراکی و روزی می‌کردند. عبدالملک بن حبیب (م) گوید:

لَا تَنْسِكُ الْرِّجْنَ عَاشُورَا وَ اذْكُرْهُ لَازَالْتَ فِي التَّارِيخِ مَذْكُورَا
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ تَسْمِلْهُ قَوْلًا وَجَدَنَا عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ النُّورَا
فَيَمْنَ يُوسَعُ فِي انْفَاقِ مُوسَمَهُ الْأَيَّزَالَ بِذَاكَ الْعَامِ مَيْسُورَا
(مکی، ۴۴: ۱۳۷۶)

در دوران بنی حمود، زمینه‌ای برای رشد ادب شیعی فراهم شد؛ زیرا حمودی‌ها خود علوی بوده و حکومت را از دست بنی امية گرفته بودند. شعرایی مانند ابن دراج

قسطلی، عبادة بن ماء السماء، ابن مقانا، ابن حنّاط، ابن بسام و ...، با آوردن اصطلاحات شیعی و عقاید آن در آثار خود، تشیع خود را ابراز می‌کنند:
ابن حنّاط نایبنا می‌گوید:

إِنْ كَانُواْ عَدُوّاً لِّهِ أَتَوْبُ ذَبَّاً فَأَنِّي لَسْتُ عَنْهُ أَتَوْبُ

(همان: ۹۴)

لسان الدین خطیب (قرن هشتم) در کتاب «علام الاعلام» عادات اندلسی‌ها در یادبود شهادت امام حسین (ع) و برپایی مجالس و سروden مراثی را یادآور شده و می‌گوید: «لَمْ يَزِلْ الحَزْنُ مُتَصَلًا عَلَى الْحَسِينِ وَالْمَآتِمِ قَائِمَةً يَجْتَمِعُ لَهَا النَّاسُ لِلَّيْلَةِ يَوْمِ قُتْلَ أَيِّ لَيْلَةً عَاشُورَاءَ وَلَا سِيمَا بِشَرْقِ الْأَنْدَلُسِ يَقِيمُونَ رِسْمَ الْجَنَازَةِ فِي شَكْلِ الشَّيَابِ وَيُحْفَلُ بِالْأَطْمَعَةِ وَالشَّمْوَعِ وَيُوقَدُ الْبَخْرُ وَيُجْلَبُ الْقُرَاءُ وَيُتَغْنَى بِالْمَرَاثِيِّ الْحَسِينِيَّةِ» (چوبین، ۱۴۲۴: ۳۰۴)

ادبیات شعری

فصلنامه ادبیات شعری

۱۴

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

در قرن ششم با انحلال دولت موحدین ادب مدح نبوی، گریه بر اهل بیت، مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع) و تخمیس و تسدیس قصاید در این زمینه رو به فزونی گذاشت. (همان: ۱۰۱) و کار تولید ادبی در این موضوعات در قرن هفتم بسیار گسترده‌تر؛ مانند ابوبحر صفوان بن ادريس تجییی مرسی (م ۵۹۸) که کارش اختصاص به مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع) و گریه بر اهل بیت شده بود؛ ابوعبدالله محمد بن عبدالرحمن (م ۶۱۰) کتاب «مناقب السبطین الحسن و الحسین» را نوشت؛ ناهض وادی آشی (م ۶۱۵) قصیده‌ای در گریه بر امام حسین (ع) سرود؛ ابو عمران موسی بن عیسی بن مناصف (م ۶۲۷) ارجوزه‌ای در مقتل امام حسین (ع)

سرود. (همان: ۹۹) در ادامه به بررسی و تحلیل اشعار رثای تعدادی از شعر و ادبی اندلس می‌پردازیم:

ابوعبدالله محمد بن عبدالله قضاوی معروف به ابن ابیار (م ۶۵۸) دو کتاب درباره امام حسین (ع) دارد؛ یکی «دُرر السّمْط فی خیر السّبَط» که مرتبه منتشر برای امام می‌باشد، و دیگری «معادن الْجِنِّ فی مَراثِی الحُسَین» که به صورت مرثیه منظوم است. (آذر شب، ۱۳۸۷: ۱۶۵) از کتاب دوم اثری یافت نمی‌شود. (شُبَر، ۱۳۸۸: ۷۰)

ابن ابیار در کتاب «دُرر السّمْط»^(۴) درباره واقعه کربلا و شهادت امام و اهل بیت و اصحابش به تفصیل سخن گفته است؛ در این کتاب به صورت تاریخی به موضوع کربلا نمی‌نگرد، بلکه یک تصویر ادبی است که این نویسنده عواطف و احساساتش را با اسلوبی زیبا و سجعی روان به نمایش می‌گذارد و در بین نثر مسجع خود اشعار و

ادبیات شعری

فصلنامه ادبیات شعر

۱۵

رثای امام حسین^(ع)
در اشعار عربی اندلس

آيات قرآنی را درج می‌کند که نویسنده را در تصویرگری از سوز و گداز این حادثه موفق تر می‌کند: «عاشرُ المُحْرَمُ أُبِيَّحَ الْحَرَمَاتُ، وَ أُفْضِيَتْ عَلَى النُّورِ الظَّلَمَاتُ، فَتَفَاقَمَ الْحَادِثُ، وَ حَمَلَ عَلَى الطَّيِّبِينَ الْأَخَابَثُ، وَ ضُرِبَ السَّبَطُ عَلَى عَاتِقَهِ وَ يَسِرَاهُ، وَ مَا أَجْرَأَ مِنْ أَسَالَ دَمَهُ وَ أَجْرَاهُ.

ثُمَّ قُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ ذِبْحًا، يُبَكِّي حَتَّى العَادِيَاتْ ضَبَحًا، أَجْزَاءُ حَائِلَةُ الْحُلُى، وَ أَشْلَاءُ كُرْمَنَ عَلَى الْبَلَى وَ مَالَ الْغَوَّةَ عَلَى الْمَتَاعِ وَ الشَّيَابِ، وَ نَازَعُوا النِّسَاءَ مَا عَلَيْهِنَّ فِي النَّهَابِ، إِلَى خُدُودِ خَدْوَهَا، وَ قَدْدُودِ قَدْدُوهَا وَ مَحَارِمَ اسْتَحْلَوْهَا وَ انتَهَكُوهَا، وَ أَكَارِمَ أَبْقَوْهَا جَسْهَمَ وَ تَرَكُوهَا جُزُرًا لِخَامِعَةٍ وَ نَسْرٍ قَشْعَمٍ. فِي اللَّهِ مِنْ أَيْدِي عَادِيَهِ، وَ أَنْفَسُ مُصَادِيَهِ، فُصِّلَتْ بِالْخُسْرَانِ خَزَايَا، وَ حَمَلَتْ كَرَائِمَ أَطْعَانَ سَبَايَا. فَمَا فِي حَرِيمٍ بَعْدَهَا مِنْ تَحرِّجٍ وَ لَا هَتَّكٌ سَتَرٌ بَعْدَهَا بُمُحَرَّمٌ

باب الندبة هنا يحسن، فَدَعْ مَا يُسِرّ لِمَا يُحْزِنُ. أَتْرَجُو أُمَّةً قَاتَلَتْ حَسِينًا؟ شفاعة جَدِّه يَوْمَ الْحِسَابِ...؛ أَعْجَبَهُمْ أَنْ يَتَخَبَّطَ غَلِيلًا، قَبْلَ أَنْ يَتَشَحَّطَ قَتِيلًا، «إِنَّ هُولاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (سورة إنسان، آية ٢٧).

أَنْتَ هَبِ الْاِيَامُ افْلَادَ اَهْمَدَ
وَ افْلَادَ مَنْ عَادَاهُمْ تَسْوَدُ
وَ يَضْحَى وَ يَظْمَنُ اَهْمَدَ وَ بَنَاتَهُ
وَ بَنَتُ زِيَادَ وَ رَذْهَا لَيْمَرَدَ
أَفِي دِينِكَهُ فِي أَمْنَهُ فِي بَلَادَهُ
تَضْيِيقَ عَلَيْهِمْ فَسَحَّهُ تَسْوَرُ
وَمَا الْدِينُ إِلَّا دِينُ جَلَّهُمُ الَّذِي
بِهِ أَصْدَرُوا فِي الْعَالَمَيْنِ وَ أَوْرَدُوا»

(آذرشب، ١٣٨٧: ١٦٧ و ١٦٨)

ابن ابیار در چند بیتی که در کتاب «درر السُّمْط» آورده است، کار پلید یزید در زدن چوب بر لبان امام حسین (ع) را بازگو می‌کند: محلی را که بوسه گاه پیامبر بوده است از فرط خشم و ستمش با چوب می‌زند و روزی دست ندامتش را باید با

دانش بگزد ولی سودی برای او ندارد:

و مَقْبَلٌ كَانَ الْمَنِيُّ
قَرَاعَ ابْنُ هَنَدَ بِالْقَضَيْبِ
وَأَشَادَ نَعْمَتَهُ عَلَيْهِ
لَيَضْرَسَنَ يَلْدَ النَّدَامَةَ

(همان: ١٦٩)

ابوالبحر صفوان بن ادريس تُجیبی مرسی (م ٥٩٨)، یکی از شاعران برجسته قرن ٦ هجری در اندلس است که در مرثیه‌سرایی امام حسین (ع) شهرت دارد؛ کتاب «زاد المسافر» در اشعار و شرح حال شعرها و ادبای قرن ٦ اندلس و کتاب «عجالۃ المستوفز و بدایۃ المتحفز» -که مشتمل بر اشعار و نثر خطابه‌هاست؛ و ابن خطیب گفته دو جلد است - از وی می‌باشد. او شاعری با عاطفه و احساسی لطیف بود. در ایام عاشورا به عزای حسینی می‌پرداخت و در مقابل کاروان عزاداران حرکت می‌کرد

ادبیات شعری

فصلنامه ادبیات شعر

۱۶

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

و قصاید رثای خود را -که تصویرگر حادثه کربلا بود- می‌خواند. رثای صفوان و گریاش بر امام حسین (ع) با عمق احساس و سوزش درون بوده و در رثایش جوّی از موسیقی و اندوه و ناله سوزان موج می‌زند. او در تصویرگری از این حادثه، شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد تا عمق تأثیر را در مخاطب خود بگذارد؛ چنان که حضرت فاطمه (س) را -در حالی که گریان است و از پدرش به خاطر کشته شدن فرزندش شکایت می‌کند و اشک می‌ریزد- توصیف می‌کند (آل طعمه، ۱۹۹۰: ۵۹۶ و ۵۹۷).

در یکی از قصایدش برای رثای امام حسین (ع) درود و سلام خود را نشار صورت‌های درخشان و مقدس صحنه کربلا می‌کند که بدن‌هایشان پاره‌پاره شده‌اند، و می‌گوید: «اگر باران آن سرزمین را سیراب نکند، اشک چشم‌ها آن را سیراب می‌کند»:

ادبیات شعری

فصلنامه ادبیات شعر

۱۷

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

سلام کازه‌ها الرُّبِّیٰ يَتَّعَلَّمُ
علیٰ مَرْتَلْ مِنْهُ الْهَدِیٰ يُتَّعَلَّمُ
لِأَوْجَهِهِمْ فِيهِ بِدُورٍ وَأَنْجَمُ
عَلَیٰ مَشَدِّلُو كَنْتَ حَاضِرًا أَهْلَهُ
لِعَيْنَتَ اعْضَاءَ الْنَّبِيِّ ثُقَّلَهُمُ
وَإِلَّا فِي إِنَّ الدَّمْعَانِدِیٰ وَأَكْرَمُ
عَلَیٰ كَرْبَلَا لَا خَلَفَ الْغَيْثُ كَرْبَلَا
(آذر شب، ۱۳۸۷: ۶۴)

این شاعر حسینی، معتقد است که مصیبت امام، آن قدر سوزناک است که تمام عالم به خاطر این ستم نالان و گریان اند. او یترقب، حطیم، زمزم، مکه، پرده‌های کعبه، صفا، روضه نبوی و منبر منور آن را در غم امام شریک می‌داند و آن‌ها را از شدت حزن و اندوه در حال نوحه‌گری و اظهار ماتم و عزا به تصویر کشیده است:

مصارعُ ضَجَّتْ يَشْرَبُ لِمَصَابِهَا
وَمَكَّةُ وَالْأَسْتَارُ وَالرَّكْنُ وَالصَّفَا
وَرَوْضَةُ مُولَانَا النَّبِيِّ مُحَمَّدٌ
وَمَنْبِرُهُ الْعُلُوِّيُّ لِلْجَنَّعِ أَعْوَلَهُمْ
وَنَاحِ عَلَيْهِنَ الْحَطَّيْمُ وَزَمَزْمُ
وَمَوْقَفُ جَمَعٍ وَالْمَقَامُ الْمُعَظَّمُ
ثُبَّدَّيِ عَلَيْهِ الشَّكَلَ يَوْمَ تَحْرُمُ

(همان)

در ادامه این قصیده به مادر امام فاطمه زهرا (س)، اشاره می‌کند که به سمت خاک کربلا می‌آید و اشک به گونه‌هایش جاری است و به پیامبر اسلام از قومش شکایت می‌کند که آن‌ها حسن را زهر دادند و از کارشان پشیمان نشدن و حسین را سر بریدند و به گمانشان کار شایسته کردند:

و أَقْبَلَتِ الْوَاهِرَاءُ قُلْدَسُ تُرْبَهَا
ثُنَادِي أَبَاهَا وَالْمَدَامُعُ تَسْجُمُ
سَقُوا حَسَنًا لِلْسُّمِّ كَأَسَا رَوِيَّةً
وَلَمْ يَقْرُعُوا سِنَّاً وَلَمْ يَتَسَدَّمُوا
أَيِّ، وَانْتَصَرَ لِلسَّبَطِ وَأَذْكَرَ مُصَابَهَ
وَغَلَّهَ وَالنَّهُرُ رِيَانَ مُفَعَّمُ

(همان)

و در آخر قصیده، از روی اخلاص درونی خود به مخاطبان قصیده سفارش می‌کند که بعد از شنیدن رثای حسین (ع) بر آن حضرت درود و سلام فرستند:

وَهَمَّا سَمِعْتُمْ فِي الْحَسِينِ مَراثِيَا
ثَعْرَ عَنْ مُحْضِ الْأَسَى وَتُشَرِّجُمُ
فَمَدَّوَا أَكْفَافَ مُسَعِّدِيَنَ بَدْعَوَةٍ
وَصَلَّوَا عَلَى جَسْمِ الْحَسِينِ وَسَلَّمُوا

(همان، ۶۵)

هم چنین در قصیده دیگری برای رثای امام از مخاطبان حزن و اندوه و اشک خون طلب می‌کند و در ابتدای قصیده می‌گوید:

أَوْمَضَ بِبَرْقِ الْأَضْلَعِ
وَأَشْكَبَ غَمَّامَ الْأَدْمَعِ
فَهَوْمَكَانُ الْجَزَعِ
وَاحْزَنَ طَوْبِلَا وَاجْزَعَ
وَانْثَرَ دَمَاءَ الْمُقلَّتَيْنِ
تَأْلَأَ عَلَى الْحَسِينِ
وَابْكَبَ دَمِعَ دُونَعَيْنِ
إِنْ قَلَّ فَيَضُّ الْأَدْمَعِ

(فروخ، ۱۹۸۵: ۵۵۳/۵)

صفوان در مخمسه‌ای که (۲۸) بند دارد و هر بندی بر اساس یکی از حروف هجاء می‌باشد، از قصیده امرؤ القیس با مطلع «أَلَا أَنِيمْ صَبَاحًا أَئِهَا الطَّلَلُ الْبَالِي» در رثای امام حسین (ع) سروده است. در این مخمسه حوادث کربلا را به تصویر می-



فصلنامه ادبیات شععه

۱۸

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

کشد و اشک واندوهش را اظهار کرده و به مصیبت دیدن پیامبر اسلام از این حادثه پرداخته است، سپس یزید و یارانش را خطاب قرار داده که چرا این جرم را مرتكب شده‌اند؟ و آیا بهتر نبود حرمت آل رسول الله را نگه دارند؟ در این قصیده شاعر، ولایت مداری خود را به اهل بیت به اثبات می‌رساند:

سَلَامِيْ وَ إِلْمَامِيْ وَ صَوْبُ بَكَاءٍ عَلَى مَعْهَدِ الْسَّادَةِ النُّجَاهَاءِ
 ثَوَى اهْلَهُ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ ثَوَاءٍ أَنَادِيهُ لَوْ أَصْغِي لِطَوْلِ نَدَاءِ
 أَلَاعِمْ صَبَاحًاً يَهَا الطَّلَلُ الْبَالِيْ ...
 لِرُزْءِ رَسُولِ اللَّهِ بِالظَّفَرِ اِنْشَاجُ وَ دَمْعَيِ فِي مَرْضَاتِهِ تَسْدِحْرُجُ
 كَأَنَّ الْأَسَى دَرَ الدَّمْوَعَ يُهْرَجُ وَ غَيْرِي مِنْ يَفْنِي كَمَا هَامَ حَنْدَجُ
 بِوَادِي الْخَرَامِيِّ او عَلَى رَسَّ اُوْعَالِ ...
 أَلَا هَلْ أَتَى الْمُخْتَارُ وَ الْحَقَّ أَشْمَخُ مَقَامَ حَسَينٍ وَ هُوَ بِالْدَمِ يُلْطَخُ
 يُنَادِي بِأَهْلِ رَوْعَهِمْ لِيَسْ يَفْرَخُ وَ أَشْقِي بَنِي حَرْبٍ يُنَادِي وَ يَصْرَخُ
 بِآنسَةِ كَائِنَهَا خَطَّ تَشَالِ ...

ادبیات شعر

فصلنامه ادبیات شعر

۱۹

(آل طعمه، ۱۹۹۰: ۵۹۹)

رثای امام حسین^(۴)
در اشعار عربی اندلس

ناهض الوادی الاندلسی، ناهض بن محمد اندلسی وادی آشی، در وادی آش سال ۶۱۵ وفات یافته است. او از شاعران مشهور قرن ۶ و ۷ هجری در اندلس بوده است. به نقل مقری در کتاب «فتح الطیب»، قصیده‌ای در رثای امام حسین (ع) در ۱۵ بیت سروده است^(۵).

شاعر، شعر خود را با پرسشی از کبوتران نالان شروع می‌کند و می‌گوید: «ناله من با ناله تو متفاوت است، من برای پاره تن پیامبر گریه و زاری می‌کنم».

لَوْ كَنْتِ مِثْلِي مَا افْقَتِ مِنْ الْبَكَاءِ لَا تَحْسِبِي شَكْوَاهِي مِنْ شَكْوَاهِي
 إِبْكَيْ حَامِلَةُ خَ» بَرِينِي إِنَّنِي أَبْكَيْ أَبْكَيِ الظَّفَرِ فَرَعَ لِلنَّبَوةِ زَاكِيَ
 أَكْرَمِ بَفْرَعِ لِلنَّبَوةِ زَاكِيَ بِدَمَائِهِ نَضَوا صَرِيعَ شَكَاءِ وَيَلِ لِقَوْمِ غَادِرَوْهُ مُضَرَّجَا

مُتَعَفِّ رَأْ قَدْ مُزَقَتْ اشْلَوْه فَرِيَا بَكَلْ مُهَنْ دِقَّاكِ
(چوبین، ۱۴۲۴: ۳۰۹)

شاعر در ادامه قصیده، یزید را مورد خطاب قرار می‌دهد و عدم رعایت حرمت پیامبر و اهل بیت‌ش و رفتار زشت او در زدن چوب بر دهان امام را زیر سؤال برده و عدم شفاعت در آخرت و افتادن در جهنم را برای او آرزو می‌کند:

أَيْزِيدُ أَوْ رَاعِيَتَ حِرْمَةَ جَدَه
لَمْ تَقْتَصِ لِيَثُ الْعَرِينَ الشَّاكِي
أَوْ كَنْتَ نُصْفِي إِذْ نَفَرْتَ بَشَّرَه
قَرْعَتْ صَمَاخَكَ أَنَّهُ الْمُسَوَّاَكِ
أَتَرَوْمَ وَيِكَ شَفَاعَةً مِنْ جَدَه
هِيَهَاتَ لَا وَمُدَبِّرُ الْأَفْلَاكِ
وَلَسَوْفَ تَبَدِّلُ فِي جَهَنَّمَ خَالِدًا
مَا اللَّهُ شَاءَ وَلَاتِ حَيْنَ فَكَاكِ
(مقری، ۱۹۶۸: ۷۰/۵)

احمد بن یعیش بن شکیل صدّقی^(۶)، معروف به ابن شکیل از شاعران بزرگ اندلس است و در سال ۶۰۵ هجری وفات یافته است؛ او در قصیده‌ای، کار زشت دشمنان را در چرخاندن سر امام در کوچه‌ها و شهرها، کار پستی دانسته و آنها را بی‌پدر و مادرانی دانسته که ملعون هستند. او در این قصیده از چشمان خود می‌خواهد که برای امام خون گریه کنند؛ چرا که گاهی سوز و گداز درونی به صراحت خود را با گریستان نشان می‌دهد، برای آن خاندان پاکی که صحیح و شام به آن‌ها جام مرگ نوشانده می‌شود:

طَافُوا بِرَأْسِ ابْنِ خَيْرِ النَّاسِ كَلَّهُمْ
بِئْسَ الطَّوَافُ وَ نَعَمَ الرَّأْسُ وَ الرُّوحُ
وَلَسَّتُ أَبْسَطَ قَوْلًا فِي دَعَّيْهِمْ
كَلَّ الدَّعِيَّينَ مَلْعُونٌ وَ مَقْبَحٌ
يَا عَيْنُ جُودِي عَلَى قَلْهِ الْحَسِينِ دَمًا
وَابْكَيْ جَهَارًا فَانَّ الْوَجْدَ تَصْرِيحٌ
كَأَسَّ الْمَنَايَا فَمَغْبُوقٌ وَ مَصْبُوحٌ
آلُ النَّبِيِّ لَقَدْ سَقَيْتَ عَلَّا

(حاتمی، ۱۳۸۸: ۸۳)



فصلنامه ادبیات شعرا

۲۰

رثای امام حسین^(۴)
در اشعار عربی اندلس

ابن عبدون؛ ابو محمد عبد المجید بن عبدون الفهريّ، در نیمه قرن ۵ هجری به دنیا آمده است و متوفی ۵۲۹ هجری می‌باشد. او ادیب، کاتب، مُترسّل و شاعر کم نظیر بوده است. مدتها وزارت عمر المظفر در بَطْلِيوس را بعهده داشته، از شعر او قصیده معروفی باقی ماند که بعضی به نام "البسامه" و بعضی "البسامة" می‌دانند، ولی در اصل "البسامه" بدون تشدید صحیح است و نام دوم یعنی "البسامة" شرح این قصیده توسط ابن بدرون می‌باشد (فروخ، ۱۹۸۵: ۹۳۰/۵). این قصیده ۷۵ بیت دارد و مطلع آن با این بیت شروع می‌شود:

الدُّهْرِ يَفْجَعُ بَعْدَ الْعَيْنِ بِالْأَثْرِ فَمَا الْبَكَاءُ عَلَى الْأَشْبَاحِ وَالصُّورِ

در این قصیده، موضوعات متعددی می‌آید مانند: عادت روزگار به ظلم و ستم و نیرنگ زدن به افراد، رفتار ناشایست روزگار با افراد بزرگ و قایل و دولتهای مختلف قبل و بعد از اسلام، که در این قسمت یادی از علی (ع) و دو فرزندش حسن و حسین (ع) می‌کند. سپس رثای عمر بن أسطس و دو فرزندش و ذکر مناقب آنها را می‌ورد.

او در ادبیات زیر، ظلم و ستم روزگار را در کشتن امام علی (ع) و دو فرزندش بیان می‌کند و در بیت دوم می‌گوید: چنانچه به جای عمروبن عاص، رئیس شرطه خارجه بن حداقة کشته شد، ای کاش به جای علی (ع) نیز کسی دیگر کشته می‌شد:

وَأَجْزَرَتْ سَيْفَ أَشْقَاهَا أَبَا حَسَنَ وَأَمْكَنَتْ مِنْ حُسْنِي رَاحَتِي شَمَرْ
وَلَيَهَا إِذْ فَدَتْ عَمَّرَا بَخَارِجَهِ فَدَتْ عَلَيَا بِمَنْ شَاءَتْ مِنَ الْبَشَرِ
وَفِي ابْنِ هَنْدٍ وَفِي ابْنِ الصَّطْفِيِّ حَسَنٌ جَاءَتْ بِمَعْضَلَةِ الْأَلْبَابِ وَالْفِكَرِ
(همان: ۱۹۷/۵)

شاعر، در ایيات بعدی یادی از امام حسین (ع) و رثای ایشان می‌کند و کشتن امام را هجو و نکوهش کرده است و تصویری از گریان بودن جبرئیل به خاطر کشته شدن زید بن علی و شهدای فخر^(۸) را می‌ورد:

يُؤْءِي بِشَسْعٍ لَهُ قَدْ طَاحَ أَوْ ظُفِرَ
عَلَيْهِ وَجْدًا قُلُوبَ الْأَيِّ وَالسُّورِ
دَمْ بِفَخِّ لِلَّآلِ الْمَصْطَفَى هَدَرِ
وَأَرَدَتْ ابْنَ زَيْادٍ بِالْحَسَنِ فَلَمْ
وَأَحْرَقْتْ شَلَوْزِيدٍ بَعْدَ مَا احْرَقْتَ
وَأَسَّبَلَتْ دَمْعَةَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عَلَى
(١٣٨٨: ٣١٩)

ابن ابی الخصال ابو عبدالله محمد بن مسعود بن ابی الخصال شقوری (م ٥٤٠) در زمان خودش رئیس کُتاب اندلس بوده است و به عنوان ادیب و مترسل و شاعر بزرگی مخصوصاً در اشعار ارجالی و وصف بوده است و دارای مصنفاتی می باشد (فروخ، ١٩٨٥: ٢٦٢/٥). در رثای امام حسین (ع) دو قصیده از ابن ابی الخصال روایت شده است که در مطلع قصیده اول دعوت به رفتن به سوی کربلا و قتلگاه امام حسین (ع) و یارانش و ریختن اشک های بسیار بر آنها را می کند:

عَرِّجَ عَلَى الطَّفَّ إِنْ فَاتَكَ مَكْرَمَةً وَإِذْرِ الدَّمْوعَ بِهَا سُحَّاً وَهُنَّانَا
وَابْكِ الْحَسَنَ وَمَنْ وَافَى مَنِيَّهَ فِي كَرْبَلَاءِ مَضَواً مَشَىً وَوَحدَانَا
(آذر شب، ١٣٨٧: ٦٣)

ادیبات شعر

فصلنامه ادبیات شعر

۲۲

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

و در مطلع قصیده دوم نیز از جشنمنش می خواهد که دیده هایش را غرق در اشک فراوان کند و اگر نه از آنها بی زاری می جوید، و در ایيات دیگر آن، نام کربلا را می آورد که در آن بلا و مصیبت مقیم گشته است:

لَهْفَ نَفْسِي عَلَى الْحَسَنِ وَمَنْ لِيْ أَنْ تَقْضَىْ يَحْقُوقَهُ عَبْرَانِي
يَا جَفْوَنِي بِرَئَسِتُ مَنْكِ إِذَا مُلْتَغِرَقَّىْ فِي بَحْرِهِ مَنْظَرَانِي...
(همان: ٦٤)

إِنَّ فِي كَرْبَلَاءِ كَرْبَلَاءَ مَقِيمَةً فَتَنَ الْمُؤْمِنَاتِ
(حیدر ناصر، ١٣٨٩: ٥)

و در قصیده دیگر می گوید:

ولوْحَدَتْ عَنْ كَرْبَلَاءِ وَأَبْصَرَتْ حَسِينًا فَتَاهَا وَهُوَ شَلُومُقَدَّدُ
(همان: ۵)

محمد بن هانی اندلسی معروف به متنبی غرب، شاعری فاضل و ادبی توانا بوده است و بعضی به او نسبت‌های غلو و زیاده روی در اشعار شیعی داده‌اند که صحیح نمی‌باشد. (امینی، ۱۳۶۳: ۴۷) در شعر ممارست زیادی داشته است و حافظ اشعار و اخبار عرب بوده و در علم هیئت نیز مهارت داشته و شعرش پر از ابیاتی است که تشیع او را اثبات می‌کند، مانند:

لِصَارِمٍ وَهُوَ شَيْعِيٌّ كَحَامِلٍ يَكَادِ يَسْبِقُ كَرَائِيَ الْبَطْلِ
(شیر، ۱۳۸۸، ۷۶/۲)

به اجماع مورخین سال وفات او ۳۶۲ هجری می‌باشد که در هجومی او را به قتل رسانده‌اند (محلاتی، ۱۳۸۱: ۳۷۷، ۳۷۴) علامه امینی نیز در کتاب "شهداء الفضيلة" او را از شهیدان راه فضليت و شيعه می‌داند. (امینی، ۱۳۶۳: ۴۶) او در مدح معزّلدين الله الفاطمی قصیده ۲۰۰ بیتی، سروده است که در آن قصیده حوادث کربلا و مصائب امام و اهل بیتش را ذکر می‌کند، که در این بخش، مطلع این قصیده و بعضی از این اشعار را می‌آوریم:

أَصَاحَتْ فَقَالَتْ لَمَعُ أَبِيَضَ مِخَنَمِ...
كَانَ قَدْ كَتَفَتَ الْأَمْرَ عَنْ شُبَهَاتِهِ
فَلَمْ يُضْطَهَدْ حَتَّى وَلَمْ يُتَهَمَّ...
وَفَاضَ دَمًا مَدًّا الْفَرَرَاتِ وَلَمْ يَجُزِ
إِذَا لَمْ تَزُرْهُمْ مِنْ كَمِيتَ وَأَدَهَمْ...
فَلَاحَمَلَتْ فُرْسَانَ حَرْبَ جَادُهَهَا
وَلَا عَذْبَ الْمَاءُ الْقَرَاجُ لِشَارَبِ
كَيْوَمِ بَزِيَّدِ وَالسَّبَابِيَا طَرِيدَهَا
وَقَدْ غَصَّتِ الْبَيَادُ بِالْعِيسِ فَوْقَهَا

(ابن هانی، ۱۹۸۰: ۳۲۲)

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۳

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

او در قصیده دیگری که خلیفه المعز^۲ دین الله را مدح می‌کند، یادی از ذبح شدن
امام می‌کند:

بِالسَّابقِينَ الْأُولَىٰ يَنِيْ ؤُمُّهُمْ جَرِيلُ يَعْتَقُ الْكُمَاءَةَ مُشَحِّحاً
فَكَانَ جَدْكَ فِي فَوَارِسِ هَاشِمٍ مِّنْهُمْ بَحِيتَ يَرِيْ الْحَسَنَ ذِيْ حِيَا
(همان: ۷۳)

و در قصیده دیگر با یاد کربلا و خون‌های ریخته شده در آن بزرگی آن فاجعه را
که چیزی باقی نگذاشت توضیح می‌دهد:

سَمَّاهَ جَدْكُ ذَالْفَقَارِ وَ إِنَّهَا
وَكَانَ بِهِ لَمْ يُقِّرِ وَتَرَأَ ضَائِعًا
أَمَّا سَمِعْتُمْ عَنْ وَقَائِعَهِ الْتِي
سَمَّاهَ مَنْ عَادِيَتْ عَزْرَائِيلًا
فِي كَرْبَلَاءَ وَلَادِمًا مَطْلَوْلًا
لَمْ تَبْقِ إِشْرَاكًا وَ لَا تَبْدِيلًا
(همان: ۲۷۱)

احمد بن درّاج قسطلی، در قرن پنجم زیسته (م ۴۲۱) و از شعرای بزرگ و معاصر

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۴

رثای امام حسین^(ع)
در اشعار عربی اندلس

با آل حمود بوده است. او در قصیده‌ای با هفتاد بیت، سختی‌ها و مصیبت‌هایی که اهل
بیت تحمل کرده‌اند و رثای امام حسین (ع) را بر نظم کشیده ابتدای این قصیده با
ایيات زیر است:

إِلَى الْهَاشِمِيِّ إِلَى الطَّالِبِيِّ
إِلَى ابْنِ الْوَصِيِّ إِلَى ابْنِ النَّبِيِّ
فَأَنْتُمْ هَدَاةُ حِيَاةٍ وَمَوْتٍ
إِلَى الْفَاطِمِيِّ الْعَطُوفِ الْوَصُولِ
إِلَى ابْنِ الْذِيْحَى إِلَى ابْنِ الْخَلِيلِ...
وَأَنْتُمْ أَئْمَانَةُ فِعْلٍ وَفِيلٍ
(چوبین، ۱۴۲۴: ۳۰۵)

ابوالعباس الجراوی؛ احمد بن عبدالسلام جراوی (م ۶۰۹) از دوستان ابن طفیل
فیلسوف مشهور اندلس بوده است و در حفظ شعر قدیم و جدید مانندی نداشت او



قصیده بلندی در تخمیس از قصیده امرؤالقیس در رثای امام حسین (ع) دارد، که با مرثیه‌هایی که شیعه با آن آشنا است، تفاوت دارد.

این شاعر در این مرثیه در قالب موشحه، امام حسین (ع) را به تصویر می‌کشد، در حالیکه در میان امویان از تشنگی فریاد می‌زند، و او را با خونش سیراب می‌سازند، و نیزه‌ها در گلو و پهلوی آن حضرت فرو رفته بود و خون از بدن مقدسش می‌رفت:

رَوِيْتُهِمْ وَضَّاجَ السَّبَطَ فِيكُمْ تَعْطُشًا فَسَقَيْتُمُوهُ ظَالَمِينَ دَمَ الْحَشَّا
أَلَا رُبُّ حِقَادٍ فِي صَدْوَرِكُمْ فَشَاءَ فَأَغْرَيْتَ لِلصَّارِمِ الْقَضَبَ أَرْقَشَـا
بِجَيدٍ مَعْمَمٍ فِي الْعَشَّيْرَةِ مُخْرُولـا

سپس از اشک‌هایش می‌خواهد که گونه‌هایش را طلا‌گون کنند و درونش را به ابزار غم و اندوه تشویق می‌کند، و به چشمانش دستور می‌دهد که جای خود را به

بیداری عوض کنند:

فُؤَادِي صَرَّخَ بِالْجَوَى لَا تَعْرَضْ وَيَا سَهْرِي مِنْ طَيِّبِ نَوْمِي تَعْوَضْ
وَيَادِمُ ذَهَبَ وَجَنَّتِي لَا تَقْضِضْ فَمَا عَمَرَ أَحْزَانِي عَلَيْهِ بَنْقَصْ
وَلَيْسَ فُؤَادِي عَنْ هَوَاهَا بَنْسَلـ

(حاتمی، ۱۳۸۸: ۸۶)

و در ادامه اشعارش با ذکر نام امام و کربلا و آه و ناله‌های درونی خود، عمق تأثیر خود را از مصیبت امام به تصویر می‌کشد:

أَقُولُ لَحْزِنِ فِي الْحَسِينِ تَأْكِدًا تَمَلَّكُ فُولَادِي مُتَهِمًا فِيهِ مُنْجَدًا
وَلَوْغَيْرُهَا الرَّزْءَ رَاحَ أَوْ اغْتَدَى لَنَادِيُّهُ قَبْلَ الْوَصْوَلِ مَرْدَدًا
عَقَرَتُ بَعِيرِي يَا امْرَأَ الْقَيْسِ فَانْزَلـ
وَرَكَبْ إِذَا جَارَاهُمْ الْبَرْقُ يَعْثَرُ تَذَكَّرُ فَيَهُمْ كَرْبَلَا فَتَحَيَّرُوا

وَغِيدَاءُ لَاتَّدْرِي الْأَسَى كَيْفَ يَخْطُرُ
بَشَّتُ لَهَا مَا كَنْتُ بِالظَّفَرِ أَضْمَرُ
فَأَهْلِيْهَا عَنْ ذِي قَائِمَ مُحْوَلٍ

(چوبین، ۱۴۲۴: ۳۰۶)

ابن حنّاط، ابو عبدالله محمد بن سليمان قرطبي معروف به ابن حنّاط (م ۴۳۷)، کاتب و شاعر نایبناي قرطبي بود، پدرش گندم فروش بوده است، لذا به اين نام شهرت یافت، او در فنون مدح، وصف، فخر و طردیات (شعر شکار) مهارت بسیاری داشته است. در اشعارش تعابیر و اصلاحات شیعی آشکار می باشد و درباره عشق و محبت به اهل بیت گفته است:

إِنْ كَانُوا عَدُوًّا لِّهِبَّ الْمُحَمَّدِ ذَبَّاً فَآئِيْ لَسْتُ عَنْهُ أَتُوبُ

این شاعر نسبت به اهل بیت و فرزندان فاطمه زهرا (س)، اعتقاد راسخی داشته است؛ به طوری که درباره او گفته اند: «وکذلک کان هواه مع الفواطم (أبناء فاطمة الزهراء) من بنی هاشم اعتقاداً» (فروخ، ۱۹۸۵: ۴۸۳/۴)

او در اشعاری دربیان اعتقادش به اهل بیت (ع)، گفته است که آنها از وجود و بخشش تعذیبه شده اند و رشد یافته اند، و آنها بهترین مردم روزگارند و سوگندی از آنها شکسته نشده و آسمان مجد و عظمت و مناقب آنها همیشه بر پاست:

أَبْنَاءُ فَاطِمَةَ رَسُولُ الْعَالَمِ رَضِيُّوا
وَبِالسَّمَاحِ غُذُوا وَالجُودِ إِذْ فُطِمُوا
قَوْمٌ إِذَا حَلَّ فِي الْأَقْوَامِ أَتَهُمْ وَ
خَيْرُ الْبَرِّيَّةِ لَمْ يَحْنَثْ لَهُمْ قَسْمٌ
سَمَاهُمْ مِنْ سَمَاءِ الْمَحْدُّ مِنْ شَرَفٍ
بَيْتٌ تَدَاعَتْ إِلَيْهِ الْعُرْبُ وَالْعَجمُ
مَنَاقِبٌ سَمَحَتْ فِي كُلِّ مَكْرُمَةٍ
كَأْفَالْهَيِّ فِي أَنْفِ الْعَالَمَ شَمَمُ

(همان: ۴/۴۸۶)



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۶

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

یوسف الثالث، السلطان النصری الشاعر یوسف الثالث (م ۸۱۹) از ملوک بنی الاحمر بوده است. او در دیوانش دو قصیده در رثای امام حسین (ع) دارد و تعبیری از ولایت مداری او به اهل بیت و دفاع از تشیع خود آورده. (جوین، ۱۴۲۴، ۳۰۸) این شاعر در یکی از قصایدش که در بحر الدویت است در ۳۲ بیت، رثای امام را می‌گوید و در آن آه و ناله و سوز گداز خود را نثار کشته شدگان کربلا می‌کند و از آسمان در گریستن بر مصایب اهل بیت کمک می‌گیرد و معتقد است که کربلا اندوه را به هیجان در آورده است. از دیدگاه او دو موضوع فراموش نشدنی است: یکی صورت‌های نورانی که به خاک و خون غلطیده‌اند و دیگری افعال زشت قاتلان حسین و آل زیاد. این شاعر در آخر قصیده به شیعی بودن خود افتخار می‌کند و بر کشتن‌گان کربلا درود و صلوات می‌فرستد:

ادیبات شعر

فصلنامه ادبیات شعر

۲۷

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی آندرس

لَهْفَ نَفْسِي لَوْ شَفَافِي	عَنْهُمْ عَضُّ الْيَدِينِ
سَاعِدِينِي يَا سَمَاءِ	بَدْمَوْعُ الْأَرْزَمِينِ
كَرْبَلَا هَيْجَ كَرِي	وَحَسِينٌ أَصْلُ حَسِينٍ...
كِيفَ أَنْسَى وَحِيَاتِي	بَعْدَ نُورَالنَّاظِرِينِ
آلْ حَرْبٍ وَزِيَادِ	خَطْبَهُمْ لَمِيسَ بَهَّيْنِ
قَطْعَوْا بِالسِّمْ قَلْبِي	ثُمَّ ثَنَوْا بِالدِّينِ
وَبُنْدُورِ مِنْ بَنِيهِمْ	صُرِعَوْا مَا بَيْنَ ذِيَنِ...
وَأَنَّا الشَّيْعَةَ حَقًا	وَحُسْنِيَنِ
فَعَلَّبِهِمْ صَلَوات	فَعَتْ

(موسوعة الشعر والادب)

شعرای دیگری نیز در آندرس دارای قطعات و قصایدی برای رثای امام هستند که به خاطر عدم دسترسی به دیوان‌ها یشان و طولانی شدن این مقاله فقط به ذکر اسامی

آن‌ها اکتفا می‌شود مانند: ابوالبقاء رُنْدی، عبدالرحمٰن ابن مقانی اشبوئی، ابومحمد بن عبدالله اندلسی قحطانی، حازم القرطاجنی، عباده بن ماء‌السماء و... .

۶- نتیجه

- توسعه و رونق ادبیات شیعه مخصوصاً بعد از حوادث کربلا، در قالب‌های ادبی تجلّی بیشتری یافته است.
- هیچ حادثه‌ای مانند حادثه و رویداد کربلا، محور و مضمون ادبیات شیعه نبوده است.
- شعرای شیعه گرایشات فکری و محبت به اهل بیت را از طریق شعر رثا که تاثیر به سزاگی در مخاطب دارد، به دیگران منتقل کرده‌اند.
- بیان مصایب و مظلومیت اهل بیت و رثای آنها، از جمله مضامین و روش‌های شعری شیعه در عصر اندلس بوده است.
- شعر عربی اندلس، در ترسیم عاشورا و رثای امام از تصاویر جالب و زیبا و روش‌ها و اسلوب‌های جدید بهره برده است.
- شعرای اندلس در ترسیم شعر رثای امام، اهداف مشترکی دارند، که از جمله این اهداف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تکریم و احترام به شخصیت امام و اهل بیت (ع)، ایجاد شور و حماسه و شعله‌ور کردن آن، انتقام‌جویی از ستمگران و ظالمان، جاودانه ساختن امام و اهدافش برای نسل‌های آینده.
- شاعران اندلس با تصویرگری و نوآوری خود و متأثر از اوضاع ادبی، اجتماعی و سیاسی توانسته‌اند قالب‌ها و ساختارهای جدیدی در شعر رثای امام ایجاد کنند.
- رثای شاعران اندلس از اعمق دل‌های سوخته آنها برخاسته و با عواطف و احساسات صادق همراه است.



فصلنامه ادبیات شیعه

پی نوشت‌ها

۱- شیخ احمد بلدی هزار قصیده در دو جلد بزرگ و شیخ محمد شویکی از شاعران قرن دوازدهم دیوانی در مراثی اهل بیت با ۵۰ قصیده به نام «مسیل العبرات» از خود بر جای نهاده است. و شیخ عبدالله سما هیجی نیز ۵ جلد کتاب مرثیه دارد. (شیر، ۱۳۸۸: ۱/۱۸)

۲- غنی، قبیله عبدالله بن عقبه غنوی قاتل ابوبکر بن الحسین است، و قیس قبیله شمر بن ذی الجوشن قاتل امام حسین (ع) می‌باشد. (طه حمیده، ۱۶۹۸: ۱۶۳)

۳- ادريسیان _ ادريس از فرزندان حسن المثنی از فرزندان امام علی (ع) بعد از واقعه فخر فرار کرد (در بعضی مقالات و کتب واقعه طف نوشته‌اند که اشتباہ می‌باشد) و به آفریقای شمالی رفته و در سال ۱۷۲ هجری اولین دولت مستقل شیعی را تشکیل داد. حکومت آن‌ها ترکیبی از عرب‌ها و بربرهای مغرب بود. در سال ۱۷۷ با دسیسه هارون الرشید مسموم و کشته شد. با فرزندش ادريس ثانی در یازده سالگی بیعت شد و شهر فاس را پایتخت خود قرار داد، و سلسله ادريسیه از زمان او تشکیل شد.
بنی حمود - از خاندان ادريس بن حسن علوی یعنی بنیان گذار ادريسیان بودند، و در حدود نیم قرن بین ۴۰۷ تا ۴۵۰ هجری به عنوان حکومت شیعی بر اندلس حکومت کردند.

فاتمیان - دومین دولت شیعی عربی دولت فاطمیان می‌باشد که از دولت‌های بزرگ شیعی در شمال آفریقا و مصر بوده و منسوب به فاطمه زهرا (س) می‌باشند. ابتدا در تونس سال ۲۹۷ هجری، توسط ابو محمد عبید الله بن محمد تشکیل شد و نوادگان او در مصر و شام حکومت کردند.



فصلنامه ادبیات شعبه

۲۹

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس

بنی عمار - در زمان ملکوت الطوایف اندلس (۴۲۲-۴۸۴ هـ) بودند. در نیمه دوم

قرن ۵ هجری توانستند بخش‌های کوچکی از اندلس را تصرف کنند، و از نوادگان منصور بن ابی عامر بودند و مشهورترین آنها معتصم بن صمادح (محمد بن معن) بود که ادیب و شاعر معروفی بود. کتابخانه بنی عمار در پایتخت مملکتشان در طبلس بیش از یک میلیون کتاب داشت و سرپرستی آن را به دانشمند بزرگ اندلس احمد بن محمد طیطلی دادند.

۴- احمد بن محمد المقری صاحب کتاب «فتح الطیب مِنْ غصن الاندلس الرطیب» در جلد ۲ صفحه ۶۰۴ مقداری از این کتاب ارزشمند را نقل می‌کند و می‌نویسد آنچه بوى تشیع از آن می‌آمده را نقل نکرده، و تنها منبع کتاب ابن ابیار این کتاب مقری است. (شیر، ۱۳۸۸: ۷۰/۴) این سخن مقری در فتح الطیب یکی از دلایل از بین رفتن کتب و آثار شیعه در اندلس می‌باشد، از جمله کتاب «اللّجین فی مراثی الحسین» ابن ابیار که اثری از آن نمی‌باشد.

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۳۰

رثای امام حسین^(ع)
در اشعار عربی اندلس

۵- دکتر حسین چوبین در مقاله خود (چوبین، ۱۴۲۴: ۳۰۹) به نقل از کتاب «فتح الطیب ۵/۷۰» این قصیده را به ناهض منسوب می‌کند، ولی شیر در کتاب «ادب الطف ۳/۲۴۹» آن را منسوب به صفوان بن ادریس اندلسی کرده است اشتباه شیر در این است که مؤلف «فتح الطیب» در وسط شرح حال صفوان ناگهان متذکر این قصیده ناهض شده و می‌نویسد: «وقد تذکرتُ هنا قول ناهض بن محمد الاندلسي الوادي آشى في رثاء الحسين رضي الله تعالى عنه» و بعد از ذکر ۱۵ بیت می‌نویسد: «و توفى ناهض المذكور بواudi آش سنة ۶۱۵، رجع الى أخبار صفوان بن ادریس ...» دکتر چوبین در مقاله خود از پژوهشگر مغربی به نام علی غزیوی یاد

می‌کند که در باره این قصیده در مجله «النور – لندن شماره جمادی الثانی سال ۱۴۲۱ هـ» مقاله‌ای نوشته است.

۶- در کتاب «الاعلام» زرکلی و به دنبال آن مقاله «نگاهی تاریخی به مضامین و اسلوب‌های شعر شیعی در ادب اندلس» کلمه صَدَفَی را صُوفی نوشتند، و او را صوفی مسلک به حساب آوردند ولی در کتب دیگر مثل «واقی بالوفیات صفدی ۱۲۱/۳» و کتاب «تاریخ الادب العربي عمر فروخ ۵۷۹/۵» با نام صَدَفَی ثبت کردند.

۷- در کتاب «ادب الطف ۳۱۹/۲» این قصیده را به ابن زیدون نسبت می‌دهد ولی مؤلف در استدرآکی در جلد ۳۰۲/۳ می‌گوید اشتباه شده است و قصیده برای ابن عبدون می‌باشد. و بعضی مقالات که مرجع آن‌ها ادب الطف است بدون توجه به این استدرآک اشتباه مؤلف را تکرار کرده و قصیده را به ابن زیدون نسبت می‌دهند.
۸- بعضی تحقیقات و کتاب‌ها به جای کلمه فَخَّ به اشتباه کلمه طَفَ را آورده‌اند.



فصلنامه ادبیات شیعه

۳۱

کتابنامه

- ❖ آذرشپ، محمدعلی؛ (۱۳۸۷)، *الأدب العربي في الاندلس*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ❖ آل طعمه، عدنان محمد؛ (۱۹۹۰)، *صفوان بن ادريس شاعر اهل البيت في الاندلس*، مجله الموسم، شماره ۶، صفحات ۵۹۴-۶۰۲.
- ❖ ابن رشيق، حسن؛ (۱۹۸۸)، *العمدة في محسن الشعر و آدابه*، بيروت: دار المعرفة.
- ❖ ابن هانی، (۱۹۸۰)، *ديوان ابن هانی*، بيروت: داربيروت.
- ❖ افسری کرمانی، عبدالرضا؛ (۱۳۷۱)، *نگرشی به مرثیه سرایی* در ایران، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.

❖ امینی، عبدالحسین؛ (۱۳۶۳)، شهیدان راه فضیلت، ترجمه جلال الدین فارسی، چاپ چهارم، تهران: نشر روزبه.

❖ بدوى، احمد احمد؛ (۱۹۹۶)، أُسس النقد الأدبى عند العرب، مصر: دار نهضة مصر.

❖ چوین، حسین؛ (۱۴۲۴)، الامام الحسين (ع) فى ادب الاندلس، مجله آفاق الحضارة الاسلامية، سال ۷ عدد ۱۳، صفحات ۳۰۱-۳۱۱.

❖ حاتمی، حسین و ...؛ (۱۳۸۸)، نگاهی تاریخی به مضامین و اسلوب‌های شعر شیعی در ادب اندلس، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال ششم، شماره ۲۱، بهار، صفحات ۷۱-۹۹.

❖ حسینی، محمدباقر؛ (۱۳۸۶)، فیروزه‌های سخن، چاپ اول، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی مشهد.

❖ حیدر ناصر؛ (۱۳۸۹)، كربلاء في الشعر العربي، وبلاگ بانک مقالات عربی.

❖ شیر، جواد؛ (۱۳۸۸)، أدب الطف أو شعراء الحسين (ع)، الطبعة الاولى، بيروت: موسسة الاعلمى للمطبوعات.

❖ صاحبکاری، ذیبح‌الله؛ (۱۳۷۹)، سیری در مرثیه‌ی عاشورایی، چاپ اول، تهران: نشر تاسوعا.

❖ طالبزاده، عباس؛ (۱۳۷۰)، سخنی پیرامون آراء نقادان قدیم درباره فن رثا در ادب عربی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۲۴، شماره ۳، صفحات ۶۳۷-۶۱۰

❖ طه حمیده، عبدالحسیب؛ (۱۹۶۸)، ادب الشیعه الى نهاية القرن الثاني الهجری، مصر: مطبعة السعادة.

❖ علی‌الصالح، صالح؛ (۱۴۰۸)، الروضة المختارة، الطبعة الاولى، قم: انتشارات شریف رضی.

❖ فروخ، عمر؛ (۱۹۸۵)، تاریخ الادب العربي، الطبعة الاولى، بيروت: دار العلم للملائين.



- ❖ محلاتی، حیدر؛ (۱۳۸۱)، ابن هانی الاندلسی تأملات فی سیرته و ادبه، پژوهشنامه علوم انسانی، بهار ۱۳۸۱، شماره ۳۳، صفحات ۳۷۱-۳۸۴
- ❖ محمدزاده، مرضیه؛ (۱۳۸۹)، عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ❖ محمدی ری شهری، محمد؛ (۱۳۷۰)، میزان الحکمة، چاپ چهارم، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- ❖ المقری، احمد بن احمد المقری التلمسانی؛ (۱۹۶۸)، نفع الطیب فی غصن الاندلس الرطیب، تحقيق دکتر احسان عباس، الطبعة الاولى، بيروت: دار صادر.
- ❖ مکی، محمدعلی و عزالدین عمرموسى؛ (۱۳۷۶)، تشیع در آندلس، ترجمه رسول جعفریان، چاپ اول، قم: نشر انصاریان.
- ❖ موسوعة الشعر والأدب، شركة العریس للكمبيوتر، الاصدار الخامس.



فصلنامه ادبیات شعراء

۳۳

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس



فصلنامه ادبیات شیعه

۳۴

رثای امام حسین (ع)
در اشعار عربی اندلس